

[تکبیرة الاحرام 1](#_Toc61906856)

[حکم نسیان تکبیرة الاحرام در نماز 2](#_Toc61906857)

[مطلب أول 2](#_Toc61906858)

[مطلب دوم (مقتضای قاعده در نسیان تکبیرة الاحرام) 2](#_Toc61906859)

[جریان حدیث لاتعاد 2](#_Toc61906860)

[مناقشه آقای سیستانی (عدم جریان قبل از رکوع) 3](#_Toc61906861)

[مناقشه دوم آقای سیستانی (عدم اثبات سنّت بودن تکبیرة الاحرام) 3](#_Toc61906862)

[مناقشه مرحوم خویی (جریان لاتعاد در موارد تحقق صلاة) 4](#_Toc61906863)

[جواب مرحوم داماد از اشکال مرحوم خویی 5](#_Toc61906864)

[مناقشه استاد (عدم صدق نقض) 6](#_Toc61906865)

[مطلب سوم (مقتضای روایات در مقام) 8](#_Toc61906866)

**موضوع**: تکبیرة الاحرام /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در رابطه با نیّت و مسائل مربوط به آن به پایان رسید.

# تکبیرة الاحرام

صاحب عروه می فرماید: و تسمى تكبيرة الافتتاح أيضا و هي أول الأجزاء الواجبة للصلاة بناء على كون النية شرطا و بها يحرم على المصلي المنافيات و ما لم يتمها يجوز له قطعها و تركها عمدا و سهوا مبطل كما أن زيادتها أيضا كذلك فلو كبر بقصد الافتتاح و أتى بها على الوجه الصحيح ثمَّ كبر بهذا القصد ثانيا بطلت و احتاج إلى ثالثة فإن أبطلها بزيادة رابعة احتاج إلى خامسة و هكذا تبطل بالشفع و تصح بالوتر

در اینجا مطالبی وجود دارد که بیان می کنیم؛

# حکم نسیان تکبیرة الاحرام در نماز

## مطلب أول

**مشهور قائل شده اند:** ترک تکبیرة الاحرام چه عمدا چه سهوا و چه جهلاً مبطل نماز است و نیز اگر به نحو ملحون ‌ تکبیرة الاحرام بگوید مثل این که «الله و اکبر» یا «اللهَ اکبر» بگوید. لذا گفته اند تکبیرة الاحرام از ارکان است و رکن چیزی است که نماز به نقیصه یا زیاده سهوی آن باطل می شود.

**ما همچون قاعده ای نداریم**؛ زیرا ممکن است دلیل اقتضا کند که جزئی از حیث نقیصه رکن باشد ولی از حیث زیاده حکم رکن را نداشته باشد و اساساً قوام رکن به این است که مرکّب با انتفای آن، منتفی شود مانند ستون ساختمان که رکن ساختمان است و اگر نباشد ساختمان از بین می رود ولی اگر یک ستون اضافه شود مشکلی برای ساختمان ایجاد نمی شود. لذا باید تابع دلیل باشیم و خواهیم گفت که مقتضای دلیل این است که نقیصه تکبیرة الاحرام ولو سهواً مبطل نماز است ولی زیاده سهوی یا زیاده از روی جهل به حکم در ‌ تکبیرة الاحرام مبطل نماز نیست و مشمول حدیث لاتعاد است.

## مطلب دوم (مقتضای قاعده در نسیان تکبیرة الاحرام)

مشهور نقصیه تکبیرة الاحرام ولو سهوی باشد مبطل نماز دانسته اند؛ لازم است مقتضای قاعده و بعد مقتضای روایات متعارضه و جمع بین این روایات در این رابطه را بررسی کنیم؛ چه بسا مقتضای جمع بین روایات فتوای آقای زنجانی باشد که اگر کسی بعد از رکوع یقین کند تکبیرة الاحرام را فراموش کرده اند نمازش صحیح است و نیازی به اعاده ندارد؛ البته این فتوا خلاف مشهور است.

**قاعده أولیه در أجزاء این است که:** کل با انتفای یک جزء منتفی و باطل می شود.

### جریان حدیث لاتعاد

**لکن قاعده ثانویه که ناشی از حدیث لاتعاد است این است که:** اخلال به غیر فرائض مبطل نماز نیست و فریضه را منحصر در پنج مورد کرده است و در مستثنای از حدیث لاتعاد، تکبیرة الاحرام ذکر نشده است؛ «وَ رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةٍ الطَّهُورِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ ثُمَّ قَالَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَ التَّشَهُّدُ سُنَّةٌ وَ لَا تَنْقُضُ السُّنَّةُ الْفَرِيضَةَ[[1]](#footnote-1)» لذا برخی فرموده اند مقتضای قاعده ثانویه ناشی از حدیث لاتعاد این است که ترک تکبیرة الاحرام از روی نسیان یا جهل مبطل نباشد و اگر روایات معارضه کردند و مرجّحی نداشتند مرجع، عموم حدیث لاتعاد خواهد بود.

### مناقشه آقای سیستانی (عدم جریان قبل از رکوع)

**آقای سیستانی فرموده اند:** اگر در رکوع یادش بیاید که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده است مقتضای «السنة لاتنقض الفریضه» که در ذیل حدیث لاتعاد است صحت نماز است، ولی اگر قبل از رکوع یادش بیاید این قاعده مقتضی صحت نماز نیست زیرا أولین فریضه داخلیه نماز رکوع است (طهور و وقت خارج از حقیقت نماز اند) و لذا قبل از رکوع، هنوز فریضه ای محقّق نشده است که «السنة لاتنقض الفریضه» جاری شود. ایشان در ابتدا می خواهند بپذیرند که تکبیرة الاحرام سنّت است و با این فرض، قبل از رکوع هنوز فریضه ای که مقدّر الاهی در قرآن باشد، محقّق نشده است. (توجّه شود که به نظر آقای سیستانی، فریضه «ما قدّره الله، ما ذکره الله فی القرآن» است)

**اگر گفته شود:** «تقیّد نماز به طهارت» رکن نماز است و این شخصی که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده است اگر قبل از رکوع نماز را رها کند اخلال به فریضه یعنی «تقیّد نماز به طهارت» زده است.

**در جواب می گوییم**: فریضه و آنچه مقدّر الهی عبارت از طهور، سجود و رکوع است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّلَاةُ ثَلَاثَةُ أَثْلَاثٍ ثُلُثٌ طَهُورٌ وَ ثُلُثٌ رُكُوعٌ وَ ثُلُثٌ سُجُودٌ.[[2]](#footnote-2) و این شخص که تکبیرة الاحرام را نگفته است طهور دارد و تا رکوع نیامده باشد اخلال به فریضه صدق نمی کند. ذات وضو فریضه است و نسیان تکبیرة الاحرام ذات وضو را نقض نمی کند. فریضه چیزی نیست که واجب شده است بلکه آنچه در قرآن ذکر شده است فریضه است که رکوع و سجود و وضو است.

### مناقشه دوم آقای سیستانی (عدم اثبات سنّت بودن تکبیرة الاحرام)

**آقای سیستانی از این نظر برگشته و فرموده اند**: دلیلی بر این که تکبیرة الاحرام سنّت باشد و فریضه نباشد نداریم و احتمال دارد فریضه باشد. در ادامه بیان خواهیم کرد که ایشان فرموده اند در صحیحه زراره آمده است: «حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْفَرْضِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ الْوَقْتُ وَ الطَّهُورُ وَ الْقِبْلَةُ وَ التَّوَجُّهُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ قُلْتُ مَا سِوَى ذَلِكَ قَالَ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ»[[3]](#footnote-3) مراد از «توجّه» تکبیرة الاحرام است که آن را به عنوان فریضه محسوب کرده اند. شاهد این که مراد از «توجّه» تکبیرة الاحرام است دو صحیحه است: 1-عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: أَدْنَى مَا يُجْزِئُ مِنَ التَّكْبِيرِ فِي التَّوَجُّهِ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ وَ ثَلَاثُ تَكْبِيرَاتٍ أَحْسَنُ وَ سَبْعٌ أَفْضَلُ[[4]](#footnote-4) 2-سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يُجْزِيكَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ الْكَلَامِ فِي التَّوَجُّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْ تَقُولَ- وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيايَ وَ مَماتِي لِلّهِ رَبِّ‌ الْعالَمِينَ لا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ يُجْزِيكَ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ.[[5]](#footnote-5)

اگر شک کنیم تکبیرة الاحرام سنت یا فریضه است، دیگر تمسک به «السنة لاتنقض الفریضه» تمسک به عام در شبهه مصداقیه آن خواهد بود.

### مناقشه مرحوم خویی (جریان لاتعاد در موارد تحقق صلاة)

**مرحوم خویی در موسوعه جلد 14 صفحه 92 فرموده اند:** حدیث لاتعاد نسیان تکبیرة الاحرام را شامل نمی شود زیرا ظاهر حدیث لاتعاد که تعبیر به «لاتعاد» می کند این است که وارد نماز شده است و به جهت اخلال، أمر به اعاده و «أعد صلاتک» می گویند که حدیث لاتعاد می گوید «لاتعد صلاتک»، و تکبیرة الاحرام مفتاح نماز است و افتتاح نماز با تکبیرة الاحرام است و تا تکبیرة الاحرام گفته نشود وارد نماز نشده است تا قرار باشد حدیث لاتعاد شامل او شود. این مطلب را آقای زنجانی در کتاب صوم پذیرفته اند. مرحوم بروجردی نیز قبل از مرحوم خویی به این مطلب اشاره نموده اند.

معلوم می شود وجه این که آقای زنجانی می گویند اگر بعد از رکوع یادش بیاید تکبیرة الاحرام را نگفته است نمازش صحیح است، دلیل ایشان حدیث لاتعاد نیست، بلکه دلیل ایشان جمع بین روایات است؛ در روایتی بیان شده است که اگر در رکوع یادش آمد که تکبیرة الاحرام را نگفته است نماز را ادامه می دهد «فلیمض فی صلاته» و در روایت دیگر تعبیر «یعید» شده است و سند هر دو هم صحیح است که ظاهراً ایشان جمع عرفی نموده و «یعید» که ظاهر در وجوب اعاده است را به قرینه صراحت «فلیمض فی صلاته» بر استحباب اعاده حمل نموده اند.

#### جواب مرحوم داماد از اشکال مرحوم خویی

**مرحوم داماد فرموده اند**: رجوع به حدیث لاتعاد در نسیان تکبیرة الاحرام صحیح است. این که گفته شود تا تکبیرة الاحرام گفته نشود وارد نماز نشده است تا گفته شود اعاده کن یا اعاده نکن، صحیح نیست زیرا روایت طهور و وقت را هم استثناء کرد در حالی که با نسیان طهور وارد نماز نشده ایم و عدم دخول وقت هم قبل از نماز محقق می شود که در مورد خلل به آن ها تعبیر اعاده کرد. لذا حدیث لاتعاد به عنوان عام فوقانی مورد قبول ایشان در کتاب الصلاة جلد 3 صفحه 394 واقع شده است.

**پس اشکال مرحوم داماد به مرحوم خویی این است که:** مگر حتماً لازم است مفتاح شرعی نماز بیاید تا «أعد صلاتک» و «لاتعد صلاتک» صدق کند؟ کسی که قبل از نماز وضو نگرفته است چرا تعبیر «أعد صلاتک» راجع به او به کار می رود. (توجّه شود که در نظر مرحوم خویی و مرحوم بروجردی و آقای زنجانی فرقی بین «أعد» و «لاتعد» نیست و باید ابتدا مفتاح صلاة بیاید و شخص وارد نماز شود تا به این شخص أعد یا لاتعد بگویند).

**جواب اشکال مرحوم داماد این است که:** یک مفتاح برای نماز شرعیه است و یک مفتاح برای نماز ولو فاسده است و نماز بدون طهور هم مفتاح دارد و مفتاح آن تکبیرة الاحرام است ولی مفتاح نماز فاسده است ولی طهور را مفتاح الصلاة دانسته نشده بر خلاف تکبیرة الاحرام که تکبیرة الافتتاح و مفتاحها التکبیر راجع به آن گفته شده است. لذا این فرمایش مرحوم داماد که ترک تکبیرة الاحرام را به ترک طهور قیاس کرد و جامع این است که هر دو قبل از نماز اند، صحیح نیست و قیاس مع الفارق است.

**لذا بهتر این بود که مرحوم داماد این گونه اشکال می فرمودند:** در صدق «لاتعاد الصلاة» یا «تعاد الصلاة» بیش از تحقّق عرفی نماز معتبر نیست و لذا اگر کسی بعد از نماز شک کند که تکبیرة الاحرام را گفته است یا نه، قطعاً می تواند قاعده فراغ را جاری کند با این که طبق نظر مشهور، احراز عنوان عمل لازم است و باید احراز شود که عنوان صلاة محقق شده است که نشانگر این است که نماز بدون تکبیرة الاحرام هم نماز است؛ پس وقتی وجود پیدا کرده است به چه دلیل موضوع برای «لاتعاد الصلاة» نشود؟! لذا «لاتعاد الصلاة» در نسیان تکبیرة الاحرام صادق است.

این که کسی بگوید «لاتعاد الصلاة» در أثنای نماز صدق نمی کند و باید نماز تمام شود تا «أعد الصلاة» صدق کند؛ این مطلب اشکال دیگری است که أخص از مدّعا است چون ممکن است نماز کسی تمام شود و بعد یادش بیاید تکبیرة الاحرام نگفته است. علاوه بر این که این اشکال وارد نیست چون در روایات متعدّدی بیان شده است که اگر در أثنای نماز متوجّه شدی بدن نجس است نماز را اعاده کن و تعبیر «أعد الصلاة» به کار رفته است.

البته این تفصیلی که در کلام آقای سیستانی در فرض سنّت بودن تکبیرة الاحرام مطرح شد که اگر وارد رکوع شده است «السنة لاتنقض الفریضه» صدق می کند و اگر وارد رکوع نشده است هنوز فریضه محقّق نشده است که «السنة لاتنقض الفریضه» جاری شود که باید به این مطلب توجّه شود؛ ولی به هر حال بعد از رکوع دیگر مشکلی وجود ندارد و موضوع برای «لاتعاد الصلاة» و هم چنین برای «السنة لاتنقض الفریضه» محقق است.

عدم صدق «السنة لاتنقض الفریضه» قبل از رکوع، مبتنی بر این است که فریضه را رکوع بدانیم ولی اگر فریضه را خود «صلاة» بدانیم به این جهت که صلاة هم فریضة الله است و در روایت صلوات خمس فرائض الله خوانده شده است و «السنة لاتنقض الفریضه» جاری است و لذا این فرمایش آقای سیستانی اشکال دارد.

نتیجه تا اینجا این شد که اشکال مرحوم بروجردی و مرحوم خویی و آقای زنجانی برای اثبات عدم شمولیّت حدیث لاتعاد نسبت به فرض نسیان تکبیرة الاحرام صحیح نیست و گفتیم وجود عرفی نماز بدون تکبیرة الاحرام هم صدق می کند و لذا «أعد یا لاتعد» صدق می کند و شاهد این مطلب خود روایاتی است که (راجع به نسیان تکبیرة الاحرام) تعبیر «یعید» داشت که ظاهرش «یعید الصلاة» است. تکبیرة الافتتاح به معنای افتتاح شرعی و به معنای جزء أول نماز است و مراد افتتاح عرفی نیست، لذا در صحیحه علی بن یقطین آمده است: عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ‌ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَفْتَتِحَ الصَّلَاةَ حَتَّى يَرْكَعَ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ.[[6]](#footnote-6) مرحوم بروجردی، مرحوم خویی و آقای زنجانی قطعاً می گویند که «یعید الصلاة» به نحو مجازی نبوده و به نحو حقیقی استعمال شده است؛ حال اگر این حدیث با أحادیث دیگر تعارض کند آیا نمی توان به عموم لاتعاد رجوع کنیم؟!

اشکال فرمایش آقای سیستانی این بود که فریضه را بر رکوع تطبیق کردند؛ البته بر رکوع منطبق می شود ولی یکی از مصادیق فریضه هم «صلاة» است و اساساً عرفاً ترک یک جزء ناقض جزء دیگر نیست بلکه ناقض کل است و عرفی نیست که گفته شود «نسیان تکبیرة الاحرام رکوع را نقض می کند» مگر قرار بود ناقض رکوع باشد؟!!

### مناقشه استاد (عدم صدق نقض)

أما ما اشکال دیگری به جریان حدیث لاتعاد قبل از رکوع و نیز بعد از رکوع اگر فریضه را صلاة قرار دهیم، وجود دارد؛ ظهور «لاتنقض» این است که ابرامی وجود داشته است و شیشه ای که از ابتدا شکسته تولید می شود راجع به آن تعبیر «انتقض الزجاجه» گفته نمی شود و نیز دست کشیدن روی شیشه ناقض شیشه نیست؛ در جایی «لاتنقض و تنقض» گفته می شود که ابتدا مستحکم منعقد شده باشد. و راجع به طهارت در روایت تعبیر نشده است که ناقض صلاة است تا گفته شود اگر طهارت نباشد از ابتدا مستحکم منعقد نشده است، بلکه تعبیر راجع به «السنة لاتنقض الفریضه» آمده است و سنتی ناقض فریضه است که بعد از انعقاد فریضه ترک می شود و اولین جزء نماز تکبیرة الاحرام است و کسی که تکبیرة الاحرام را نگفته است از ابتدا فریضه به صورت مبرم منعقد نشده است تا منتقض شود. انتقاض و عدم انتقاض فرع بر انعقاد است و خلاف ظاهر است که مراد از فریضه را فریضه لولائیه و «الفریضة اللتی توجد» قرار داده شود و ظاهر این است که فریضه شکل گرفته است و موجود شده است و تعبیر می شود که نماز نقض نمی شود و اگر تکبیرة الاحرام گفته نشود از ابتدا نماز شکل نگرفته است.

ممکن است این بیان ما توسعه داده شود و در رابطه با فرمایش آقای سیستانی نیز جاری شود که اگر کسی تکبیرة الاحرام را نگوید از ابتدا رکوع او شکل نگرفته است تا بخواهد از هم گسستن و نقض در رابطه با آن صدق کند مثل این که کسی عمداً یا از روی جهل تقصیری تکبیرة الاحرام را نگوید.

لذا اشکال اساسی به حدیث لاتعاد، عدم صدق «لاتنقض السنه الفریضه» است. البته در برخی روایات تعبیر «نقض» ذکر نشده است: «مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّداً أَعَادَ الصَّلَاةَ وَ مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ»[[7]](#footnote-7) و قابل تمسّک است ولی حدیث لاتعاد که چنین ذیلی دارد قابل تمسّک نیست.

در رابطه با تعبیر «السنة لاتنقض الصلاة» نیز لازم است ابتدا صلاة منعقد شود. در صدق نقض باید ابتدا مستحکم باشد تا از هم گسسته شود:﴿وَ لاَ تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثاً﴾[[8]](#footnote-8) نقضت غزلها یعنی از ابتدا بافت بعد بافتنی خود را از هم گسست، ولی اگر زنی غزل خود را به گونه ای تنظیم کند که منتقض باشد دیگر «نقضت غزلها» صدق نمی کند.

**اگر گفته شود:** ابتدا باید متعلق نقض را مشخص نمود و اگر مراد از نماز را نماز عرفی بدانیم «نقض الصلاة» صدق خواهد کرد.

**در جواب می گوییم:** اگر مراد صلاة عرفی باشد این صلاة عرفی نقض نشده و تا آخر وجود دارد و لذا باید از ابتدا استحکام به نظر شارع داشته باشد تا نقض راجع به آن صدق کند.

خلاصه عرض ما این شد که استدلال به صحیحه زراره «وَ رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّداً أَعَادَ الصَّلَاةَ وَ مَنْ نَسِيَ فَلَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ‌» [[9]](#footnote-9) بی اشکال است به این شرط که از خارج سنّت بدون تکبیرة الاحرام را ثابت کنیم، ولی دلیلی نداریم که ثابت کند تکبیرة الاحرام سنّت است. حدیث لاتعاد به این خاطر که تعبیر «لاتنقض السنة الفریضه» دارد شامل نسیان تکبیرة الاحرام نمی شود.

اگر ذیل در بین نمی بود ما مشکلی نداشتیم: این که گفته شود شارع با ذیل می فهماند که نکته «لاتعاد الصلاة» این است که از نظر من شارع فریضه ولو با ترک سنّت از روی نسیان موجود می شود. در جواب می گوییم ذیل همچون ظهوری ندارد که بگوید از نظر من، با ترک سنّت صلاة موجود می شود بلکه بیان می کند که هر کجا مقتضی برای صدق «نقض الفریضة بالسنة» بود «لاتعاد» جاری می شود و جایی نقض صدق می کند که ابتدا فریضه شکل بگیرد و بعد سنّت ترک شود که در این صورت «لاتنقض» جاری می شود.

این گونه نیست که ذیل نتواند صدر روایت را مجمل کند بلکه انصاف این است که ذیل ما یصلح للقرینیه است و چون متصل به صدر روایت است باعث اجمال آن می شود.

**تذکّر:** اگر قرائت فراموش شود و تکبیرة الاحرام گفته شده باشد بعد از رکوع حدیث لاتعاد جاری می شود ولی اگر قبل از رکوع یادش بیاید به این خاطر که تکرار قرائت موجب اعاده نماز نمی شود (بر خلاف فرض نسیان تکبیرة الاحرام که تکرار آن موجب اعاده نماز است) لازم است خوانده شود.

نتیجه این که مقتضای قاعده أولیه بطلان نماز در فرض نسیان تکبیرة الاحرام است.

**نکته:** آقای سیستانی توجّه را به معنای تکبیرة الاحرام دانستند؛ در صحیحه زراره هفت چیز را فریضه می شمارد که محتمل است توجّه همان تکبیرة الاحرام باشد و اگر صحیحه زاره هم نباشد احتمال می دهیم تعبیر «و کبّره تکبیرا» راجع به تکبیرة الاحرام باشد و لازم نیست قید «فی الصلاة» ذکر شود تا فریضه شود کما این که راجع به رکوع و سجود تعبیر «ارکعوا و اسجدوا» ذکر شده بود و قید «فی الصلاة» در آن وجود نداشت. همچنین تعبیر «و لربّک فکبّر» می تواند فریضه بودن تکبیرة الاحرام را بیان کند.

## مطلب سوم (مقتضای روایات در مقام)

روایاتی در مقام وجود دارد که با یکدیگر متعارض اند. قبل از بیان روایات مطلبی عرض می کنیم؛

**مشهور بین عامه و خاصه این است که:** نماز با نسیان تکبیرة الاحرام باطل می شود؛ در مغنی ابن قدامه می گوید که ربیعة الرأی مالک، شافعی قائل به بطلان نماز با نسیان تکبیرة الاحرام شده اند؛ أما سعید بن مسیّب، حسن بصری، زهری که از تابعین بود، قتاده، حکم، اوزاعی که از تابع التابعین است گفته اند که اگر کسی تکبیرة الافتتاح را فراموش کند تکبیرة الرکوع کفایت می کند که شاید اطلاق آن شامل فرضی که به رکوع نرفته است بشود (نه این که اگر رکوع کند اعتنا نمی کند که آقای زنجانی فرموده اند بلکه تکبیر رکوع کفایت می کند در حالی که به نظر آقای زنجانی اگر تکبیر رکوع هم گفته نشود و وارد رکوع شود نماز صحیح است).

**مقدس اردبیلی فرموده اند**: اگر اجماع بر بطلان نماز به ترک سهوی تکبیرة الاحرام در بین نباشد، مقتضای جمع بین روایات همین است که تکبیر رکوع مجزی از تکبیر افتتاح است.

**آقای زنجانی فرموده اند**: طبق روایت «اذا رکع فلیمض فی صلاته» اگر بعد از رکوع ملتفت به نسیان تکبیرة الاحرام شود نمازش صحیح است. در جلسه بعد روایات باب را که حدود 11 روایت است را بیان خواهیم کرد.

1. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص340.](http://lib.eshia.ir/11021/1/340/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص273.](http://lib.eshia.ir/11005/3/273/%D8%A7%D8%AB%D9%84%D8%A7%D8%AB%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص272.](http://lib.eshia.ir/11005/3/272/%D8%B3%D9%88%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص310.](http://lib.eshia.ir/11005/3/310/%D8%B3%D8%A8%D8%B9%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص67.](http://lib.eshia.ir/10083/2/67/%DB%8C%D8%AC%D8%B2%DB%8C%DA%A9%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص352.](http://lib.eshia.ir/11002/1/352/%DB%8C%D9%86%D8%B3%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/%D9%85%D8%AA%D8%B9%D9%85%D9%91%D8%AF%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره نحل، آيه 92. [↑](#footnote-ref-8)
9. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص 345.](http://lib.eshia.ir/11021/1/340/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-9)